

باسمه تعالی

عنوان کرسی: مقایسه و تحلیل متن شناسانه عهد مالک اشتر و خطبه غراء بر اساس کنش گفتار

ارائه دهنده: دکتر عاطفه خدایی (مدرس جامعه المصطفی العالمیه)

ناقد اول: دکتر محمد فولادی (دانشیار دانشگاه قم)

ناقد دوم: دکتر نعیمه سادات صفایی نیا (مدرس جامعه المصطفی العالمیه)

مدیر کرسی: دکتر سلمان رحیمی (استادیار جامعه المصطفی العالمیه)

مکان: دانشگاه مجازی المصطفی

زمان: دوشنبه (۷ آبان ۱۴۰۳)، ساعت ۱۴:۳۰-۱۲:۳۰

در این کرسی که با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید آغاز گردید، در ابتدا مدیر کرسی با ارائه ضوابط و نحوه مدیریت کرسی به تبیین مسئله پرداختند و سپس از دکتر خدایی به عنوان ارائه دهنده کرسی درخواست نمودند که مطالب خود را ارائه نمایند. در ادامه، ارائه دهنده دکتر خدایی به بررسی رویکرد مدنظر خویش نسبت به موضوع کرسی پرداختند و موضوع را به شرح زیر بررسی نمودند:

زبان‌شناسان برای تحلیل متون، الگوهای مختلف و متنوعی ارائه داده‌اند که بر پایه منابع متفاوتی چون ایدئولوژی، تاریخ، فلسفه، ساختارهای اجتماعی و قراردادهای زبانی شکل گرفته است. نظریه «کنش گفتار» از جمله نظریاتی است که در تکامل تحلیل و نقد متون نقش بسزایی داشته است. کنش گفتار در واقع اصطلاحی تکنیکی در زبان‌شناسی و فلسفه است که به مطالعات جان آستین، فیلسوف انگلیسی بازمی‌گردد. او به اهمیت نقش فعل در جملات اشاره کرده و به تحلیل متن بر اساس همین نقش پرداخت. از مطالعات آستین در حوزه مذهب و اعتقادات دینی، به ویژه مطالعه بر روی عهد عتیق و جدید به کرات استفاده شده است.

در ادامه تحقیقات آستین و در دهه‌های بعد جان سرل با ارائه مقالاتی به نقد نظریه آستین پرداخت و پس از آن طبقه‌بندی جدید خود را (پنج‌گانه سرل) ارائه داد. در این مقاله با استفاده از نظرات سرل، افعال و کنش‌ها را در خطبه‌ای از نهج البلاغه و عهدنامه مالک اشتر بررسی کرده و سپس به مقایسه و تحلیل این دو متن می‌پردازیم.

خیلی پیش‌تر از آستین بحث در مورد زبان و کارکردهای آن در دوره‌ی کلاسیک رواج داشت. فیلسوفان دوره‌ی کلاسیک گمان می‌کردند که کار اصلی زبان این است که واقعیتی را کاذب یا صادق توصیف کند. این تلقی از زبان، فیلسوفان پوزیتیویست را به این نتیجه رساند که گزاره‌های زبانی یا توصیفی‌اند یا ارزشی (سرل ۱۳۸۵: ۲۸).

از دید پوزیتیویست‌های منطقی، گزاره‌های ارزشی تجربه‌ناپذیرند و صرفاً احساسات و عواطف شخصی را اظهار می‌کنند. بنابراین معیار اینان برای معناداری، تجربه‌پذیری بود و گزاره‌های توصیفی می‌توانند از پس نشان دادن واقعیت برآیند. علاوه بر این معنی‌شناسان منطقی معتقد بودند که اصل زبان بر پایه جملات خبری بوده و کارکرد اصلی زبان اطلاع دادن از طریق جملات خبری است که قابل صدق و کذب هستند. نظریه‌ی کنش‌گفتاری ردیه‌ای بر این باور است. به نظر آستین، نوعی از جملات از دید فیلسوفان قدیم پنهان مانده است. او این جملات را که در حین بیان به معنای انجام کاری نیز هستند، جملات کنشی نامید.

### نظریه کنش‌گفتار

#### جان آستین

آستین معتقد بود که ارزش صدق و کذب برای برخی جملات قابل تعیین نیست. علاوه بر این برخی افعال و به تبع آن جملات اصولاً خبری نبوده، ارائه دهنده کنش‌اند. آستین معتقد است با بیان بعضی افعال، انجام عملی نیز محقق می‌شود. آستین به افعالی که به نوعی کنش یا عمل اشاره دارند، «پاره‌گفتارهای بیانی» می‌گوید. به اعتقاد او در این جملات، دیگر بحث بر سر کذب و صدق نیست. به جای این روش تعیین ارزش، می‌توان بحث اقتضاء را مطرح کرد و پاره‌گفتارها را متناسب یا نامتناسب نام نهاد.

آستین اعلام کرد که جملات را می توان به دو دسته ی معنادار و بی معنا تقسیم بندی کرد؛ اما در میان جملات روزمره دسته‌هایی وجود دارند که نه بی معنی اند و نه خبری. او این جملات معنادار را که خبری نبودند، جملات کنشی نامید. در واقع جمله‌های کنشی دسته‌ایی از جمله‌ها هستند که به صورت قراردادی عمل می‌کنند؛ مانند گفتن کلمه ی «بله» هنگام ازدواج.

آستین برای تحلیل کنش‌های گفتاری سه سطح کاربردی در نظر گرفت:

۱- فعل تلفظی (کنش بیانی)

۲- فعل مضمون در سخن (کنش غیر بیانی)

۳- فعل ناشی از سخن (کنش پس بیانی)

### جان سرل

در کنار آستین و پس از او زبان‌شناسان و فیلسوفان متعددی به بررسی ماهیت «کنش گفتار» پرداختند؛ اما آرای سرل در این میان اهمیت به‌سزایی یافت. جان سرل به نقد آرای آستین و تقسیم‌بندی کنش‌های او پرداخت. به نظر سرل تمایزی که آستین میان کنش بیانی و پس از بیانی می‌گذارد و مبنای تحلیل خود را بر پایه ی کنش بیانی قرار می‌دهد، درست نیست و نمی‌توان بدون تأمل در مورد کارکرد ذهن به تحلیل زبان پرداخت. اختلاف او با آستین در مورد کنش بیانی است. سرل کنش بیانی را رد می‌کند و به توضیح پاره گفتار و کنش گزاره‌ای می‌پردازد. در مورد کنش پس بیانی، نظر او با آستین یکی است. آنچه او کنش گفتار می‌نامد، غالباً همان کنش غیر بیانی است که آستین توضیح می‌دهد. علاوه بر این سرل، از دسته بندی آستین برای کنش‌ها انتقاد می‌کند و مهم‌ترین اشکال آن طبقه بندی را عدم وجود مبنا و اصولی واضح برای دسته‌بندی افعال و کنش‌های مرتبط به آن‌ها می‌داند. سرل، کنش‌های گفتاری را در پنج کلاس طبقه‌بندی می‌کند. پیش از توضیح این طبقه‌بندی پنج‌گانه، لازم است به عوامل متعددی اشاره کنیم که سرل برای تعیین گونه‌های کنشی خود ارائه داده است. مهم‌ترین این عوامل، نکته غیر بیانی، تطبیق و وضع روانی است. در ادامه به تعریف برخی از این نکات می‌پردازیم.

۱- نکته‌ی غیر بیانی: این نکته در واقع قصد یا هدف تولید کنش است. به طور طبیعی هر کنشی هدف خاصی را دنبال می‌کند و به واسطه این اهداف مشترک می‌توان بعضی کنش‌ها را در یک گروه طبقه‌بندی کرد.

۲- تطبیق: سرل معتقد است برخی افعال بیانی به واسطه نکته غیر بیانی خود زبان خاصی برای انطباق با جهان خارج دارد. برخی جملات می‌خواهند جهان را با کلمات انطباق دهند و برخی جملات می‌خواهند کلمات را با جهان انطباق دهند.

۳- وضع روانی: کسی که سخن می‌گوید، توضیح می‌دهد یا ادعا می‌کند، باور خود را به نمایش می‌گذارد؛ اما کسی که قسم می‌خورد یا تهدید می‌کند، قصد خود را برای انجام کاری نشان می‌دهد.

بر اساس عوامل بیان شده «به اعتقاد سرل هر کنش دارای نکته غیر بیانی است که بر حسب وضع روانی گوینده و با توجه به محتوای کنش، در تطبیق با جهان خارج تولید می‌شود.»

حال به طبقه‌بندی پنج‌گانه سرل از پاره‌گفتارها اشاره می‌کنیم:

۱- کنش اظهاری

۲- کنش ترغیبی

۳- کنش تعهدی

۴- کنش تأثیری

۵- کنش اعلامی

- کنش مستقیم و غیر مستقیم

بخش دیگر از نظرات سرل در باب کنش‌ها، تقسیم‌بندی آن‌ها به دو نوع مستقیم و غیرمستقیم است. سرل توضیح می‌دهد که کنش غیر مستقیم، معمولاً برای رد درخواست‌ها یا شکل‌گیری یک درخواست استفاده می‌شود. وی معتقد است برخی از کنش‌ها دارای دو معنا هستند: یک معنای تحت‌اللفظی و یک معنای ثانویه. در واقع در کنش غیر مستقیم گوینده چیزی فراتر از معنای

تحت اللفظی کلمات به شنونده منتقل می‌کند که این مسئله بر اساس اطلاعات پیش زمینه‌ای و قبلی است که به صورت دو جانبه میان شنونده و گوینده وجود دارد.

## ۲- بررسی متن شناسانه ی خطبه غراء

خطبه غراء، یکی از خطابه‌های امیرالمومنین است که به مناسبت الفاظ شگفت‌انگیز و کلمات بلند و درخشانش، غراء نامیده شده است. این خطبه از جمله خطبه‌هایی است که برای آگاه‌سازی مردمان و تحذیر و انذار ایشان ایراد شده است. امام علیه‌السلام خطبه را با حمد و ستایش خداوند آغاز می‌کند و سپس مخاطبین را به پرهیزکاری سفارش می‌نماید. مطالبی که در ادامه در خطبه آمده است به شکل فهرست‌وار عبارتست از:

دنیا شناسی، وصف رستاخیز، وصف احوال بندگان خدا، مثل‌های پندآموز، عبرت از مرگ، معرفی‌الگوهای پرهیزگاری، هشدار نسبت به دشمنی شیطان، شگفتی‌های آفرینش انسان و پندآموزی از گذشتگان است. سید رضی در انتهای خطبه آورده است که وقتی امام این خطبه را ایراد فرمود، بدن‌ها به لرزه درآمد. اشک‌ها سرازیر و دل‌ها ترسان شد. این نشان از تاثیر کامل خطبه بر مخاطبان دارد.

با توجه به طبقه‌بندی کنش‌های سرل که بخش اول تحقیق آمده است، افعالی چون حمد و ستایش را باید در دسته کنش‌های تأثیری قرار داد. در خصوص سایر کنش‌ها در این خطبه باید گفت که کنش غالب به لحاظ بسامدی در این متن، کنش اظهاری است. اما کنش‌های ترغیبی در به لحاظ اهمیت و هم‌سویی با هدف نهایی و اصلی متن، در درجه نخست اهمیت قرار دارند. با این وجود، چون خطبه در حضور مردم عادی و برای انذار و تحذیر ایشان بیان شده است و شیوه رفتاری امام در طول ایراد خطبه، پند دادن و نصیحت کردن است، از خطاب‌های امری و مستقیم پرهیز شده است. این مسئله می‌تواند یکی از دلایل برتری تعدادی کنش‌های اظهاری در خطبه باشد.

یکی از جایگاه‌های کنش‌های ترغیبی متن در ابتدای هر پاراگراف است. در کل می‌توان گفت فقط ده فعل از میان افعال خطبه در قالب کنش ترغیبی قرار می‌گیرد که آن هم در معنای درون‌کنشی در حیطه توصیه قرار می‌گیرد. (نه دستور و فرمان)

- اَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ: اي بندگان خدا، شما را به پرهیزگاري و تقوای خدا سفارش مي‌کنم.

- وَاعْلَمُوا أَنَّ مَجَازِكُمْ عَلَى الصِّرَاطِ وَ مَزَالِقِ دَخِضِهِ: بدانید گذر شما از صراط است.

- فاتقوا الله عبادالله: پس اي بندگان خدا، از خدا بترسید و ...

اگر بر اساس تعاریف جمله‌های سوالی را در طبقه کنش ترغیبی قرار دهیم، در موارد معدودی جملات سوالی نیز در خطبه خواهیم دید. امام علي عليه السلام از این اسلوب با هدفی خاص استفاده مي‌کند. هدف ایشان نه گرفتن پاسخ، که بیان مطلبی با قطعیت بیشتر است. (کنش غیر مستقیم)

- أَمْ هَذَا الَّذِي أَنْشَأَهُ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْحَامِ وَ شُغْفِ الْأَسْتَارِ - نُطْفَةً دِهَاقًا وَ عَلَقَةً مِحَاقًا - وَ جَنِينًا وَ رَاضِعًا وَ وِلِيدًا وَ يَافِعًا - ثُمَّ مَنَحَهُ قَلْبًا حَافِظًا وَ لِسَانًا لَا فِظًا وَ بَصَرًا لَا حِظًا - لِيَفْهَمَ مُعْتَبِرًا وَ يَقْصِرَ مُزْدَجِرًا

(گر انسان، همان نطفه و خون نیم بند نیست که خدا او را در تاریکی‌های رحم و غلاف‌های تو در تو، پدید آورد تا به صورت چنین در آمد، سپس کودکی شیرخوار شد، بزرگتر و بزرگتر شده تا نوجوانی رسیده گردید، سپس او را دلی فراگیر، و زبانی گویا، و چشمی بینا عطا فرمود تا عبرت‌ها را درک کند، و از بدی‌ها بپرهیزد.)

- عِبَادَ اللَّهِ أَيْنَ الَّذِينَ عُمِّرُوا فَانْعَمُوا وَ عَلِمُوا فَفَهَّمُوا - وَ أَنْظَرُوا فَلَهَوُوا وَ سَلَّمُوا فَتَسَوُوا - أُمُهَلُّوا طَوِيلًا وَ مُنْحُوا جَمِيلًا - وَ حُذِّرُوا أَلِيمًا

(ای بندگان خدا کجا هستند آنان که سالیان طولانی در نعمت‌های خدا عمر گذراندند تعلیمشان دادند و دریافتند، مهلتشان دادند و بیهوده روزگار گذراندند از آفات و بلاها دورشان داشتند اما فراموش کردند، زمانی طولانی آنها را مهلت دادند، نعمت‌های فراوان بخشیدند، از عذاب دردناک پرهیزشان دادند.)

- فَهَلْ دَفَعَتِ الْأَقَارِبُ - أَوْ نَفَعَتِ النَّوَاجِبُ.

(آیا خویشاوندان می‌توانند مرگ را از او دفع کنند و آیا گریه و زاری آنها نفعی برای او دارد؟)

• در غالب متون، کنش اظهاري به لحاظ بسامدي در رتبه نخست قرار دارد. از اين کنش براي بيان مطالب و توصيف استفاده مي شود. علاوه بر اين، گاه هدفی ثانوي از کنش اظهاري مد نظر است که در متن حاضر نیز اين شکل استفاده از کنش اظهاري دیده مي شود. همان طور که گفته شد، غالب کنش هاي اين خطبه به شکلي غير مستقيم اهداف انذاري در خود دارد. به طور قطع در ارتباط با عامه مردم و زماني که هدف از ايراد سخن، انذار و تحذير است، در قالب غير مستقيم سخن گفتن تأثيري افزون خواهد داشت.

- لَمْ يَمْهَدُوا فِي سَلَامَةِ الْأَبْدَانِ - وَلَمْ يَعْتَبِرُوا فِي أَنْفِ الْأَوَانِ: در وقت سلامت توشه اي مهيا نکردند و در در جواني پند نپذيرفتند. (معناي ثانويه: پس شما براي دنياي ديگر آماده شويد و فرصت را از دست ندهيد.)

- الدُّنْيَا..... حَتَّى إِذَا أَنْسَ نَافِرُهَا وَاطْمَأَنَّ نَاكِرُهَا- قَمَصَتْ بِأَرْجُلِهَا وَقَنَصَتْ بِأَحْبِلِهَا...: (آن هنگام که نفرت دارندگان به آن دل بستند و بيگانگان به آن اطمینان کردند، چونان اسب چموش پاها را بلند کرده، سوار را بر زمین می کوبد، و با دام های خود آنها را گرفتار می کند.)

(معناي ثانويه: به دنيا دل نبنديد.)

- کنش اظهاري علاوه بر ايجاد پاره گفتارهاي مستقل، ميتواند با اهدافي متفاوت بعد از افعالي با ساير کنش ها بيايد.

الف - توصيف آنچه در کنش ابتدائي آمده است:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا بِحَوْلِهِ وَدَنَا بِطَوْلِهِ.....<---< کنش ابتدائي عاطفي است (الحمد لله) و در ادامه چهار جمله اسميه در

توصيف الله که صله موصول الذي است (عَلَا بِحَوْلِهِ وَدَنَا بِطَوْلِهِ.....)

ب - براي تقويت کنش ترغيبي ازکنش هاي اظهاري پس از آن استفاده مي شود.

أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ الَّذِي صَرَبَ الْأَمْثَالَ.....

در خصوص سایر کنش‌ها می‌توان گفت که دو کنش تعهدی و اعلامی در این خطبه دیده نمی‌شود.

نکات دیگری نیز در بررسی کنش‌های خطبه به چشم می‌خورد که در ادامه خواهد آمد:

۱ - جملات اسمیه همه کنش‌های اظهاری دارند؛ اما در نحو عربی جمله اسمیه که تا حروف مشبیه بالفعل ساخته می‌شود، تأکید و شدت بیشتری را می‌رساند. در این خطبه از این اسلوب برای بیزاری از دنیا استفاده شده است.

فَإِنَّ الدُّنْيَا رِيقٌ مَشْرُبُهَا رِدْعٌ مَشْرَعُهَا - يُونِقُ مَنْظَرُهَا وَ يُوبِقُ مَخْبِرُهَا - غُرُورٌ حَائِلٌ وَ ضَوْءٌ أَقْلٌ وَ ظِلٌّ زَائِلٌ وَ سِنَادٌ مَائِلٌ ..... (خبر  
این در هفت جمله بعد معطوف به جمله ی اول است.)

۲ - شهادت دادن حاوی کنش اظهاری است؛ البته در متون اخلاقی چنین عبارتی حاوی معنای ضمنی تعهد نیز هست.

أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

۳ - معنای نهفته در برخی افعال، دلیل انتخاب آن‌ها و توان معنایی فعل را بهتر نشان می‌دهد. برای مثال در جمله «أَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ كَافِيًا نَاصِرًا» معنای توکل که نشان دهنده ی ضعف گوینده نسبت به شنونده است، بارز است.

۴ - در نحو عربی از ترکیب قد+ فعل ماضی، ماضی محقق الوقوع ساخته می‌شود. «قد حرف توقع است و بر فعل ماضی وارد می‌شود و افاده تحقیق و تثبیت می‌کند.» در دیدگاه سرل، محتوای پاره گفتار، حتی می‌تواند زمان وقوع فعل را مشخص کند که در شناخت نوع کنش نیز موثر خواهد بود. ماضی محقق الوقوع، زمان فعل ماضی را نزدیک به حال می‌کند. این شکل از ماضی، در این خطبه، برای بیان اتفاقات پس از مرگ و وقایع آخرت استفاده شده است.

- قَدْ غُودِرَ فِي مَحَلَّةِ الْأَمْوَاتِ رَهِينًا - وَ فِي ضَيْقِ الْمَضْجَعِ وَحِيدًا قَدْ هَتَكَتِ الْهَوَامُّ جِلْدَتَهُ - وَ أَبْلَتِ النَّوَاهِكُ جِدَّتَهُ وَ عَفَّتِ  
الْعَوَاصِفُ آثَارَهُ

(او را در سرزمین مردگان می‌گذارند، و در تنگنای قبر تنها خواهد ماند. حشرات درون زمین، پوستش را می‌شکافند، و خشت و خاک گور بدن او را می‌پوساند، تند بادهای سخت آثار او را نابود می‌کند.)



- قَدْ عَبَّرَ مَعْبَرِ الْعَاجِلَةِ حَمِيداً وَقَدَّمَ زَادَ الْأَجَلَةِ سَعِيداً - وَبَادَرَ مِنْ وَجَلٍ وَأَكْمَشَ فِي مَهَلٍ وَرَغِبَ فِي طَلَبٍ.

(با بهترین روش از گذرگاه دنیا عبور کرده، توشه آخرت را پیش فرستاده، و از ترس قیامت در انجام اعمال صالح پیش قدم شده است، ایام زندگی را با شتاب در اطاعت پروردگار گذرانده، و در فراهم آوردن خشنودی خدا با رغبت تلاش کرده است.)

### ۳- بررسی متن شناسانه ی عهد نامه مالک (پیمان نامه)

در آغاز باید به ذکر این نکته پرداخت که این نامه در واقع شامل دستور العمل های امام علی به سوی مالک اشتر برای فرمانداری مصر بود. نامه با کنش اعلامی آغاز می شود:

- هَذَا مَا أَمَرَ بِهِ عَبْدُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ - مَالِكِ بْنِ الْحَارِثِ الْأَشْثَرِ فِي عَهْدِهِ إِلَيْهِ - حِينَ وَّلَاهُ

این فرمان بنده ی خدا علی امیرمومنان به مالک پسر حارث است در عهدی که با او دارد، هنگامی که او را به فرمانداری مصر بر می گزیند.

البته قسمت مشخص شده در حکم جمله ی معترضه ای است که در خود یک کنش اعلامی دارد (ولاه). در ادامه ی جمله آنچه از لحاظ معنایی بایست به دنبال "أمر" می آمد، آورده شده است:

- مِصْرَ جَبَايَةَ خَرَاجِهَا وَجِهَادَ عَدُوِّهَا - وَاسْتِصْلَاحَ أَهْلِهَا وَعِمَارَةَ بِلَادِهَا

تا خراج آن دیار را جمع کند و با دشمنانش نبرد کند؛ کار مردم را اصلاح و شهرهای مصر را آباد سازد.

سپس بخش های مختلف نامه آغاز می شود که عنوانی چون "ضرورة بناء الذات"، "اخلاق القيادة"، "التجنب من الغرور" و... دارد. تمامی این قسمت ها با فعل امر که دارای کنش ترغیبی است آغاز شده اند. در قسمت بعد به انواع کنش های به کار رفته در این متن خواهیم پرداخت.

- انواع کنش ها در عهد نامه با مالک اشتر:

۱- کنش ترغیبی: پرواضح است در متنی که به نامه عهد نامه مشهور شده است و از سوی یک مرجع قانونی بالاتر به یک فرماندار نگاهشته شده است، بسامد کنش های ترغیبی به مراتب بیشتر از متنی است که فاقد این ویژگی هاست. امام در این متن از انواع مختلف امر در عربی که شامل امر غایب و امر مستقیم است، بهره برده اند. اشکال استفاده از کنش های ترغیبی را در این نامه می توان به شکل امر، نهی و اسلوب تحذیر مشاهده کرد.

- نمونه امر غایب: جالب است که قسمت آغازین این نامه با فعل امر آغاز شده است که در آن فاعل ضمیر سوم شخص محسوب می شود و امام از ضمیر اول شخص برای امر و نیز شکل امر حاضر استفاده نکرده اند:

أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَإِثَارِ طَاعَتِهِ...

بعد از یک کنش اظهاری دوباره از امر استفاده شده است که این بار در شکل امر غایب است:

أَنْ يَنْصُرَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بِقَلْبِهِ وَيَدِهِ وَ لِسَانِهِ.

- نمونه ی امر حاضر:

ثُمَّ انْظُرْ فِي أُمُورِ عَمَّالِكَ.

سپس در امور کارمندان بیندیش.

البته مشخص است که امر حاضر در صد ارشاد و به عبارتی کنش ترغیبی بیشتری تا امر غایب دارد. علاوه بر این در امر غایب رعایت و جانبداری بیشتری نسبت به شنونده انجام می شود و به گونه ای غیر مستقیم به امر می پردازد، اما در این نامه تعداد امر حاضر بیشتر از امر غایب است.

۲- کنش اظهاری: اگرچه امام در مقام یک بالادست به مالک نامه نوشته است؛ اما در عین حال به موازات کنش های ترغیبی از کنش های اظهاری هم بهره جسته اند. منظورهای ایشان را از استفاده از کنش های اظهاری که تقریباً همگی بعد از کنش های ترغیبی استفاده شده اند، به موارد زیر می توان دسته بندی کرد:

۲-۱: استدلال: مانند نمونه ی زیر:

- وَ لِيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْ سَطُهَا فِي الْحَقِّ - ..... - فَإِنَّ سُخْطَ الْعَامَّةِ يُجْحِفُ بِرِضَى الْخَاصَّةِ.

دوست داشتنی ترین چیزها در نزد تو در حق میانه ترین... که همانا خشم عمومی مردم خشنودی خواص را از بین می برد.

- فَأَنْظُرْ فِي ذَلِكَ نَظْرًا بَلِيغًا - فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أَسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ.

در دستوراتی که دادم نیک بنگر که همانا این دین در دست بدکاران اسیر گشته بود.

- ثُمَّ أَسْبَغْ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ - فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ.

سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می کوشند.

۲-۲: توصیف: در این گونه موارد کنش اظهاری در خدمت توضیح و توصیف امر فرمان داده شده به کار گرفته شده است.

- أَمْرُهُ بِتَقْوَى اللَّهِ وَ إِثَارِ طَاعَتِهِ.....الَّتِي لَا يَسْعَدُ أَحَدٌ إِلَّا بِاتِّبَاعِهَا - وَ لَا يَشْقَى إِلَّا مَعَ جُحُودِهَا وَ إِضَاعَتِهَا.

- شُحٌّ بِنَفْسِكَ..... فَإِنَّ الشُّحَّ بِالنَّفْسِ الْإِنْصَافُ مِنْهَا فِيمَا أَحَبَّتْ أَوْ كَرِهَتْ.

۳-۳: نتیجه و پیامد:

در این موارد کنش اظهاری معمولاً جمله ای است که با "ف" نتیجه آغاز شده است. امام بعد از یک جمله با کنش ترغیبی مالک را به پیامدهای رعایت نکردن این دستور و عواقب ناشی از آن متوجه می کند. به نمونه ی زیر توجه فرمایید:

- إِيَّاكَ وَ مَسَامَاةَ اللَّهِ فِي عَظَمَتِهِ..... فَإِنَّ اللَّهَ يُدُلُّ كُلَّ جَبَّارٍ وَ يُهِينُ كُلَّ مُخْتَالٍ.

بپرهیز که خود را در بزرگی همانند خداوند بینداری؛ زیرا خداوند هر سرکشی را خوار می‌سازد و هر خودپسندی را بی ارزش می‌کند.

۳- کنش اعلامی: البته امام در نامه‌ای جداگانه حکم انتصاب مالک را برای او نوشته‌اند. بنابراین عهدنامه در شرایطی نوشته شده است که انتصاب مالک مشخص بوده است؛ پس از نامه‌ای که حکم انتصاب محسوب نمی‌شود، نمی‌توان توقع کنش‌های اعلامی زیادی داشت.

پس از ارائه تفصیلی دکتر خدایی، ناقد اول دکتر محمد فولادی در مقام طرح برخی اشکالات به بیان مطالب زیر پرداخت:

- از جمله نکات مثبت این مقاله تطبیق دادن نظریات جدید با متون مختلف می باشد.
- ساختار مقاله (چکیده، مقدمه، متن اصلی و نتیجه) بسیار خوب است.
- در چکیده لازم است در حد بسیار خلاصه، نتیجه مقاله هم آورده شود.
- دیدگاه‌های مقدمه‌ای بهتر است کوتاه تر شود و در عوض تحلیل‌ها کامل تر گردد.
- بهتر است خطبه کامل غرا و مالک اشتر آورده شود و تحلیل بر روی متن کامل انجام شود.
- بهتر است مقداری نیز درباره خطبه شناسی آورده شود.
- در برخی جاها ترجمه کامل متون نهج البلاغه آورده نشده بود، بهتر است ترجمه کامل بیاید.

در ادامه جلسه، نوبت به ارائه مطالب و نقد ناقد دوم رسید که دکتر نعیمه سادات صفایی نیا به موارد زیر پرداختند:

- با توجه به اینکه مقاله درباره نظریات آستین و سرل است بهتر است که در مقاله اسمی از آنها آورده شود.
- بخشی از مباحث کنش گفتار را در مقدمه بیاورید تا این بخش کامل تر گردد.
- بهتر بود در پیشینه مقاله چندین مقاله که در این باره کار شده است آورده شود.
- حجم مقدمه بیشتر از حجم تحلیل است، بهتر است بخش تحلیل بیشتر از بخش مقدمه باشد.

در انتهای جلسه نیز ضمن طرح پرسش‌های حضار و سایر مطالب طرح شده توسط ناقدین، ارائه دهنده به انتقادات و سؤالات پاسخ داده و با جمع بندی مدیر کرسی، جلسه با ذکر صلوات بر محمد و آل طاهرینش به پایان رسید.